

مهم‌ترین مدارس موقوفه تهران از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار

شهره سیدزاده مطلق^۱

چکیده:

در این مقاله سعی شده است تا مهم‌ترین مدارس دینی موقوفه از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار در شهر تهران بررسی شوند. روش کار در این پژوهش این گونه بود که در ابتدا مطالب مورد نیاز از میان وقف‌نامه‌های موجود در بایگانی ادارات اوقاف استخراج شد و برای تکمیل داده‌های وقف‌نامه‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شد که به گردآوری مطالب از میان منابع و مأخذ دوره‌ای مورد نظر پرداخته و در نهایت پژوهش مورد نظر بر اساس داده‌های وقف‌نامه‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت.

دستاوردی که این پژوهش به ما عرضه می‌کند این است که نهاد وقف در دوره مورد نظر در شهر تهران از شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم تاثیر بسیاری پذیرفته است. وقف بر آموزش علوم دینی در سطح گسترده‌ای انجام می‌گرفت و با وجود اینکه که دوره ناصرالدین‌شاه دوره آشنایی با افکار روشنفکری غربی و آموزش علوم جدید بود اما نهاد وقف از وضعیت موجود تاثیر قابل ملاحظه‌ای نپذیرفت و به جز چند مورد انگشت شمار، موقوفات نوینی احداث و وقف نشد. شاید این موضوع نشأت گرفته از این اندیشه باشد که واقفان معتقد بودند نهاد وقف، نهادی دینی است و آنان باید در همین راستا اموال و دارایی‌شان را وقف کنند.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ.

مقدمه:

وقف یکی از مسایل اجتماعی به شمار می‌آید و از روزگاران کهن که بشر به طور اجتماعی زندگی خود را آغاز کرد وقف نیز متولد شد. همچنین وجود نظریه زندگی جاودانه، انسان‌ها را تشویق می‌کرد تا علاوه بر تلاش برای زندگی، بناهای ماندگاری نیز بسازند تا هم در زمان حیات و هم در زمان پس از مرگ منبع خیر و برکت باشند و از طرفی برای جامعه هم مفید واقع شوند. البته ریشه این تفکر را می‌توان در روحیه نوع‌دوستی، همکاری متقابل و اندیشه زندگی اجتماعی در انسان‌ها جست‌وجو کرد. خیرین با وجود دشواری‌های موجود در اجتماع کارهایی انجام می‌دهند که برای مردم سودمند واقع می‌شود. از طرفی انسان‌ها به گونه‌ای نیازمند همکاری و یاری هموعان خود هستند و زمانی این روحیه قوت می‌گیرد که افراد خیر، همت کرده به نیازمندان کمک کنند. مسئله وقف اموال و املاک به نوعی می‌تواند مصداق بارز و روشن این همکاری اجتماعی و نوع‌دوستی باشد؛ به گونه‌ای که وقف در دین اسلام و فقه نیز جایگاه مهمی دارد و در طول تاریخ ویژگی‌های منحصر به فردی را به خود اختصاص داده است و باعث به وجود آمدن مظاهر فرهنگی و تمدنی چون مسجدها، تکیه‌ها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و... در شهرهای اسلامی و گسترش آن‌ها شده است.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهاد وقف، نقش مؤثر آن در فرهنگ و آموزش بود. زیرا واقفان با وقف موقوفاتی مثل مدرسه‌ها که بیشتر دینی بودند رفاه طلاب، خرید و مرمت کتاب، تعیین حقوق و مقرری مدرسان و طلاب را تضمین می‌کردند و باعث ارتقا سطح سواد و گسترش دانش دینی در سطح جامعه می‌شدند. همچنین توسعه و گسترش آموزش علوم دینی، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نهاد وقف بود.

پیش از اسلام، تنها طبقه حاکمه حق داشت تا از مراکز آموزشی استفاده کنند؛ اما پس از اسلام، تحصیل از انحصار طبقات ممتاز خارج شد و برای عده بیشتری امکان آن فراهم شد. به تدریج همراه با گسترش و پیشرفت علوم دینی و طولانی شدن مدت تحصیل و لزوم اسکان طلاب، زمینه پیدایش مدرسه‌ها [موقوفه] نیز مهیا شد. این مدرسه‌ها بیشتر پیرامون مسجد جامع، بازار، منطقه مسکونی و گاه میدان‌ها احداث می‌شدند.^۱

البته در گذشته فقط آموزش علوم دینی رایج بود. ابتدا در مکتب‌خانه‌ها اصول ابتدایی آموزش داده می‌شد و محصلان برای تکمیل دانش خود به مدارس علمیه دینی می‌رفتند. بنابراین وقف، تنها بر مدارس علمیه صورت می‌گرفت که باعث شکوفایی ساختار آموزش و علوم دینی و موجب افزایش سطح سواد و آشنایی طلاب با این علوم در جامعه می‌شد.

۱. مدارس وقفی:

در ابتدای دوره قاجاریه، شیوه تدریس در مدرسه‌ها همچنان برگرفته از گذشتگان بود و تغییرات خاصی

۱. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، تهران: آگاه، سال ۱۳۶۴، ص ۳-۴۰۲.

در امر آموزش علوم به وجود نیامد. اما در دوره ناصرالدین‌شاه با تأسیس مدارس چون دارالفنون و رشدیه که برگرفته از آشنایی ایرانیان با غرب و آموزش علوم جدید بود، تغییری جزئی در روند وقف مدارس دینی به وجود آمد. البته نه به آن معنا که از این دوره به بعد وقف مدارس دینی متوقف شد بلکه برعکس، وقف این‌گونه مدارس در سطح گسترده‌ای همچنان ادامه داشت.

عمدتاً افراد متمول و خیر، مدارس دینی را در کنار مساجد احداث و وقف می‌کردند و غالباً در این دوره مدرسه و مسجد در کنار هم احداث می‌شدند؛ اما استثناهایی نیز در این امر وجود داشت.

تمامی واقفان، انگیزه اصلی خود را از وقف مدارس ذخیره توشه آخرت ذکر کرده‌اند. اما احادیثی از ائمه مبنی بر اهمیت بنای مدارس در اندیشه واقفان بی‌تأثیر نبوده است؛ مثل حدیثی از امام جعفر صادق که می‌فرماید: «بنای مدرسه یکی از مواردی است که ثواب آن بعد از مرگ به مومن می‌رسد»^۱. همچنین مقبولیت نزد عامه مردم از دیگر انگیزه‌هایی بود که واقفان را به احداث مدارس ترغیب می‌کرد. تهران به عنوان پایتخت قاجاریه بیشتر مدارس دینشاس وقفی بود که طبقات مختلف جامعه آن‌ها را بنا می‌کردند. همچنین واقفان با وقف اموال و املاک خود بر این مدارس، درآمد حاصل از املاک موقوفه را صرف تعمیر، نگهداری و تأمین هزینه‌های مدرسه می‌کردند.

از میان سیصد و شصت و چهار وقفنامه به ثبت رسیده از آغاز دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان سلسله قاجار در شهر تهران، سی و دو مورد متعلق به وقف مدرسه است که چهارده وقفنامه به مسجد - مدرسه و دو وقفنامه به مدرسه علوم دینی تعلق دارد. از این میان، شانزده وقفنامه متعلق به خود بانیان این اماکن بوده و مابقی آن متعلق به کسانی است که مخارج و تأمین هزینه‌های مدارس را تقبل کرده‌اند.

از مهم‌ترین مدارس این دوران - به ترتیب تاریخ - می‌توان به مدارس زیر اشاره کرد:

ملک جهان ملقب به مهدعلیا به سال ۱۲۹۰،^۲ مدرسه شیخ عبدالحسین به سال ۱۲۷۶،^۳ مدرسه میرزا محمدخان قاجار سپهسالار به سال ۱۲۸۳،^۴ مدرسه حاج قنبر علی‌خان سعدالدوله به سال ۱۲۹۰،^۵ مسجد مدرسه خازن‌الملک در سال ۱۲۹۳،^۶ مسجد مدرسه میرزا حسین‌خان سپهسالار (ناصریه) به سال ۱۲۹۷،^۷ مسجد مدرسه حاج ابوالفتح تاجر طهرانی (فتحیه) به سال ۱۲۹۷،^۸ مسجد مدرسه معمارباشی

۱. محمد زمان بن کلبعلی تبریزی، *فرائدالنفوس در احوال مدارس و مساجد*، به کوشش رسول جعفریان، تهران، احیاء کتاب، سال ۱۳۷۳، ص ۲۲۳.
۲. منظور از طبقات مختلف جامعه طبقه حاکمه شامل وزرا و درباریان، طبقه متوسط شامل بازاریان و تجار می‌باشد.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد شرق، سند شماره ۲۲۸۰.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۶۶۴.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۶. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، ج ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۶۹۸.
۷. رضایی، *فهرست اسناد و موقوفات ایران*، ج ۴، ص ۳۷۵.
۸. سحاب، ابوالقاسم. *تاریخ مدرسه عالی سپهسالار*، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۰.
۹. سحاب، ابوالقاسم. *تاریخ مدرسه عالی سپهسالار*، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۰.

(صنعیه) به سال ۱۳۰۳^۱، مسجد مدرسه علی عطار به سال ۱۳۰۶^۲، مسجد مدرسه میرزا عیسی وزیر به سال ۱۳۰۶^۳، مسجد مدرسه شاهزاده خانوم به سال ۱۳۰۷^۴، مدرسه منیرالسطنه به سال ۱۳۰۹^۵، مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله به سال ۱۳۲۲^۶، مسجد مدرسه محمودیه در سال ۱۳۲۵^۷ و مسجد مدرسه حاج سید هاشم تاجر قندی به سال ۱۳۲۷^۸.

در خصوص آمار و شناسایی مدارس وقفی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در هیچ منبع مستقلی از تمامی بناهای موقوفه یاد نشده است. همچنین ذکر این نکته خارج از لطف نیست که علی‌رغم وجود سفرنامه‌های متعدد و حضور خارجی‌ان بازدیدکننده از شهر تهران در این دوران هیچ کدام به مسجد مدرسه‌ها و مدارس موقوفه به جز مدرسه میرزا حسین خان سپهسالار اشاره مستقیمی نداشته‌اند و تنها به صورت آمار به ذکر موقوفات پرداخته‌اند. مثلاً بروگشن سفیر پروس در سفرنامه‌اش ذکر می‌کند که: «شهر تهران دارای چندین مدرسه اسلامی و دینی است که عموماً موقوفه اشخاص خیر هستند و در آن‌ها روحانیون و مدرسین عالی قدر، علوم دینی و الهی را تدریس می‌کنند. به همین جهت این مدارس غالباً در نزدیکی مساجد و یا در خود مساجد واقع شده‌اند. شماره این مدارس دینی و مساجد مهم در تهران در محلات مختلف شهر طبق آماری که ما به دست آوردیم به قرار زیر است: محله سنگلج ۶ مدرسه و ۲ مسجد، محله بازار ۵ مدرسه و ۴ مسجد، محله عودلاجان مدرسه ندارد و ۱ مسجد، محله ارک ۲ مدرسه و ۱ مسجد دارد»^۹. با توجه به موارد فوق جهت بررسی دقیق نحوه عملکرد موقوفات می‌بایست به اصل اسناد مراجعه شود و موارد مندرج در وقف‌نامه مورد بررسی قرار گیرد.

در این مقاله سعی بر آن شده است که مهم‌ترین و پررونق‌ترین مدارس علوم دینی وقف شده در این دوران را به شرح ذیل و به تفکیک شریاطی که واقفان در وقف نامه‌هایشان ذکر کرده‌اند مورد ارزیابی قرار دهیم.

مدرسه شیخ عبدالحسین به سال ۱۲۷۶ ساخته شد. شیخ عبدالحسین از علمای تهران در اواخر قرن سیزدهم بود که میرزا تقی خان امیر کبیر در سال ۱۲۷۶ او را موکل و متولی خود کرد تا از یک سوم اموالش - یعنی سیزده باب دکان واقع در بازار پایتخت - صرف ساخت مسجد مدرسه‌ای در انتهای بازار شود.^{۱۰}

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد شرق، سند شماره ۱۲۰۵.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۱۷.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۱۶۵.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب شرق، سند شماره ۲-م.
۶. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱-ف.
۷. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.
۸. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۲-ت.
۹. بروگشن، سفری به دربار صاحبقران، ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۸۰.
۱۰. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۶۶۴.

مدرسه سپهسالار از دیگر مدارس وقفی شهر تهران است که میرزا محمد خان قاجار دولو معروف به سپهسالار آن را در سال ۱۲۸۳ در کوچه مروی احداث کرد. این بنا یک مدرسه و دو باب مسجد تابستانی و زمستانی دارد. بعد از آنکه میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار، مسجد مدرسه‌ای به نام سپهسالار احداث کرد این مکان به سپهسالار قدیم معروف شد. میرزا محمد خان برای تأمین مخارج این بنا دو باب حمام مردانه و زنانه، یک باب دکان قصابی، شش دانگ از قریه کریم آباد، شش دانگ از مزرعه‌ای در بلوک غار و سه سهم از شش دانگ بازارچه مرحوم آقا مهدی نواب را به آن اختصاص داد.^۱

میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار، در سال ۱۲۹۷ مدرسه سپهسالار (ناصریه) را احداث و وقف کرد. این مدرسه یک باب مسجد نیز داشت و یکی از شاهکارهای معماری دوره قاجار محسوب می‌شود. ممتحن‌الدوله از دانش‌آموختگان مدرسه دارالفنون با الهام از مساجدی چون مسجد ایاصوفیه، مسجد سید و مسجد حکیم اصفهان این بنا را طراحی کرد.^۲ میرزا حسین خان مشیرالدوله، دو باب حمام مردانه و زنانه، پنج باب دکان در محله قیصریه، هجده باب دکان در بازار امیر، شش دانگ از قریه گرگ تپه ورامین، شش دانگ از قریه شهرک در طالقان و یک و نیم باب قنات مهران را برای مصارف این بنا وقف و تولیت آن را برعهده سلطان عصر واگذار کرد.^۳

مسجد مدرسه معمارباشی (صنعیه) به سال ۱۳۰۳ توسط حاج ابوالحسن معمارباشی ملقب به صنیع‌الملک، برای طلاب علوم دینی احداث و وقف شد و از آنجایی که حاج ابوالحسن منصب معمارباشی داشت و ملقب به صنیع‌الملک بود این مکان به نام‌های معمارباشی و صنعیه نیز معروف بوده است. حاج ابوالحسن، سه باب دکان واقع در جنب مدرسه، یک باب قهوه‌خانه، شش دانگ از یک باب کاروانسرا و چهار دکان متصل به آن و سه دانگ از یک باب کاروانسرا در دروازه قدیم شمیران، سه باب دکان در محله چال میدان، شش دانگ تیمچه حکاکان و یک باب دکان در بازار گیوه فروشان را برای مصارف آن وقف کرد.^۴

مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله به سال ۱۳۲۲ توسط میرزا کاظم خان فیلسوف‌الدوله پزشک مشهور دوره ناصری، جنب امامزاده سید اسماعیل احداث و وقف شد. میرزا کاظم خان یک باب عمارت مسکونی در محله چال میدان، شش دانگ مزرعه در بورزن از توابع لواسان، یک باب طویله و یک باب یخچال در خارج از دروازه محمدیه و چهار دانگ یخچال در دروازه دولاب را برای تأمین مخارجش به آن اختصاص داد.^۵ آقا سید محمود تاجر طهرانی جواهری، مسجد مدرسه محمودیه را در سال ۱۳۲۵ و در دوران مظفرالدین شاه در نزدیکی گذر سرچشمه از محله‌های عودلاجان احداث و وقف کرد. واقف یک سوم از راسته بازار شمس‌العماره، بازار چهار سوق کوچک تا چهار سوق بزرگ، سه راه بازار آهنگرها، یک باب محوطه

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۲. سبحان، ابوالقاسم. تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۰.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱- ف.

حصیربافی و تیر فروشی، سه دکان در خیابان چراغ گاز، هفت باب دکان متصل به مدرسه، سه دانگ از خانه سرچشمه، شش باب دکان و یک دکه در طرف غربی بازار سرچشمه، پنج باب دکان در طرف شرقی بازار سرچشمه، یک زورخانه جنب کاروانسرای محله دانگی، دو دست حیاط محل زندگی خود، چهار باب دکان قصابی در محله پامنار، دو باب دکان در حیاط شاهی، یک باب دکان در گذر یهودی‌ها، یک باب دکان در گذر عودلاجان را برای تامین مخارج آن قرار داد.^۱ تولیت اغلب این مدارس دینی بر عهده اولاد واقفان و یا امام مسجد بود که سمت مدرس مدرسه را هم داشتند.

۱-۱ شرایط و ضوابط واقفان جهت پذیرش طلاب

در هر وقف‌نامه‌ای که جهت مدارس علوم دینی به نگارش در می‌آمد واقف شرایطی را برای طلاب در نظر می‌گرفت و در قسمتی از وقف‌نامه جزء جزء شروطی را می‌نوشتند که مدنظرشان بود و طلاب پذیرفته شده در این نوع مدارس می‌بایست تمام شرایط را قبول و رعایت کنند.

اما قبل از پذیرفته شدن طلاب در این نوع مدارس آن‌ها می‌بایست واجد شرایط ورود می‌بودند که عبارت بودند از «طلابی که در مدرسه پذیرفته می‌شوند باید به سن بلوغ رسیده باشند. یعنی سن‌شان از حدود پانزده سال کمتر نباشد. خواندن و نوشتن و در صورت امکان مختصری صرف و لغت عربی بدانند».^۲

همچنین سیر روند تحصیل در حوزه‌های علمیه ایران در سه دوره مقدمات، سطح و خارج بود. طلاب در دوره مقدماتی با مبانی صرف، نحو عربی و منطق آشنا می‌شدند. این دوره مقدمه‌ای جهت آشنایی با علوم شرعی بود. دوره سطح به فقه، اصول و فلسفه و دوره خارج به مسائل مربوط به فقه و حقوق به صورت گسترده پرداخته می‌شد که پس از گذراندن مراحل فوق طلاب وارد مرحله اجتهاد می‌شدند.

از طرفی در وقف‌نامه‌ها قرار دادن شرایط و قوانین برای طلاب وابسته به سلاطین واقف بود که به نوعی نشان دهنده هدف واقف جهت ضابطه مند شدن طلاب و اداره مدرسه نیز بود.

یکی از مهم‌ترین شرایطی که همه واقفان جهت پذیرش طلاب در نظر داشتند شیعه بودن طلبه‌ها بود و به صراحت در وقف‌نامه‌هایشان تأکید دارند که مدرسه علوم دینی جهت طلاب شیعه اثنی عشری و مذهب جعفری می‌باشد. از دیگر شروط مدارس که تقریباً در تمامی آن‌ها مشترک است مسئله اقامت طلاب در مدارس علوم دینی است. زیرا تقریباً تمامی مدارس علوم دینی در دوره مورد بررسی، بزرگ بودند و حجره‌هایی جهت سکونت طلاب داشتند. لذا واقفان بر ساکن بودن طلاب در حجره‌ها تأکید فراوان داشتند. به عنوان نمونه واقف مدرسه فیلسوف/الدوله ذکر می‌کند که «در هر حجره متولی به دو نفر از طلاب سکنی بدهد».^۳ و یا در وقف‌نامه معمارباشی آمده است که «طلبه‌ای که روزی یک یا دو ساعت در مدرسه باشد

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.

۲. صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ص ۳۷۰.

۳. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران- واحد جنوب، سند شماره ۱-ف.

حجره به او ندهند، بلکه طلبه باید روز مقر او مدرسه باشد.^۱ این موضوع نشانگر آن بود که میزان حضور طلاب در مدارس دینی رونق و کارآمدی این نوع مدارس را در جامعه دوران قاجار نشان می‌داد. دومین شرطی که در تمامی وقف نامه‌ها مشترک است عدم غیبت طلاب مدرسه است. در این مورد واقفان جهت غیبت طلاب شروطی را قید کرده‌اند. «طلاب بیشتر از چهل روز غیبت به قصد سفر زیارتی و یا رفتن به وطن خود برای صله ارحام و سرکشی به خانمان آن هم با اذن متولی و ناظر را ندارند». ^۲ در ادامه مسئله غیبت طلاب، واقفان ذکر می‌کنند که اگر بعد از موعد مقرر طلاب به مدرسه بازنگشتند متولی و ناظر باید از ورود آن‌ها به مدرسه جلوگیری کند و حجره طلبه مورد نظر را در اختیار شخص دیگری قرار دهد. از دیگر مسائل مورد توجه واقفان مسئله عدم اشتغال طلاب در هنگام تحصیل است. به عنوان نمونه در وقف‌نامه مدرسه ابوالحسن معمارباشی آمده است که «طلبه شغل زیاد در خارج از مدرسه نداشته باشد که نرسد به بودن در مدرسه، مگر به مقدار یک ساعت یا دو ساعت». ^۳ این مسئله در وقف‌نامه‌ها می‌تواند نشانگر این امر باشد که واقفان در نظر داشتند که طلاب تمامی تلاش و وقت خود را صرف علم‌آموزی کنند و هیچ دغدغه و مشغله ذهنی جز درس‌شان نداشته باشند. البته برخی از واقفان، زمانی که این شرط را برای طلبه‌ها می‌گذارند سعی می‌کنند نیاز مالی آن‌ها را هم بر طرف کنند و برای مدتی که در مدرسه به عنوان طلبه ساکن هستند مبلغی را به عنوان مقرری ماهانه به آنان پرداخت کنند. به طوری که در وقف‌نامه مدرسه فیلسوف‌الدوله آمده است که «هر ماه سه تومان به دو نفر طلبه که در حجره مدرسه به تحصیل علوم دینی سکنی دارند بدهند». ^۴ یا در وقف‌نامه مدرسه محمودیه آمده است که «به چهارده نفر طلبه که در هفت حجره شرقی و غربی مدرسه سکنی دارند سی و یک سهم از منافع موقوفه به آنان واگذار شود». ^۵ در برخی دیگر از وقف‌نامه‌های دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار به دلیل گسترش تشیع در ایران و تأکید بر مراسم مذهبی شیعیان، واقفان در وقف‌نامه‌هایشان ذکر می‌کردند که در ایامی چون دهه عاشورا، ماه رمضان و شب‌های احیاء و اعیادی چون عید قربان و عید غدیر به طلاب اطعام داده شود. از دیگر شروط قابل توجه جهت تأمین آسایش طلاب مدارس دینی این موضوع است که واقفان سعی می‌کردند نسبت به امکانات موقوفه مسئله رفاه طلبه‌ها را مد نظر داشته باشند مثلاً در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار (ناصریه) به دلیل آنکه یک دارالشفاء هم جزء موقوفات او بوده است میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار ذکر می‌کند که «مخارج طلاب مریض بر عهده دارالشفاء موقوفه می‌باشد و طبیبان نباید مخارج دارو و پرستاری از آن‌ها مطالبه کنند». ^۶

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه، سند شماره ۷۱۴.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد شرق، سند شماره ۲۲۸۰.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.
۶. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.

همچنین در برخی دیگر از وقف‌نامه‌های این دوران، واقفان بر تحصیل طلاب نظارت را دارند و در وقف‌نامه‌هایشان تأکید می‌کنند که متولی، ناظر و مدرس باید به پیشرفت درسی طلبه‌ها توجه داشته باشند، مثلاً می‌توان از وقف‌نامه مدرسه سپهسالار (ناصریه) نام برد که واقف تأکید دارد که «در آخر هر سال تحصیلی طلاب مدرسه زیر نظر متولی و ناظر و مدرسان امتحان شوند».^۱ همچنین برخی از واقفان جهت تشویق و یا تنبیه طلاب تأکید می‌کنند که «اگر در درس طلاب، ترقی حاصل شده بود با نظر متولی و ناظر به او هدیه‌ای داده شود و اگر کسی ترقی نکرده و درس را به درستی یاد نگرفته از مدرسه اخراج شود».^۲ از دیگر شروطی که واقفان جهت اخراج طلاب ذکر کرده‌اند مسئله پای بند بودن به اصول اخلاقی است مثلاً در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار قدیم، واقف ذکر می‌کند «هر یک از طلاب که موجب فساد و نزاع باشند با صلاحدید مدرسان باید اخراج شوند».^۳

یکی دیگر از نکاتی که واقفان در شروط خود ذکر کرده‌اند نوع دروسی است که در مدارس تدریس می‌شود و اصرار دارند که می‌بایست تنها دوس مورد نظر آن‌ها تدریس شود. به طوری که در وقف‌نامه مدرسه معمارباشی آمده است «تنها کتب اهل شرع مانند وحدت وجود و معاد تدریس شود و امثال ذلک من الخرافات در مدرسه تدریس و تدرّس نشود و عقاید صوفیه هم تدریس نشود».^۴ حتی برخی از واقفان که طلاب ساکن در حجره‌های مدرسه می‌بایست دروس خاصی را گذرانده باشند. مثل وقف‌نامه مدرسه محمودیه، که واقف یکی از شروط خود را این گونه بیان می‌کند که «طلبه‌ای که برای آموختن حکمت آمده است حق ساکن شدن در حجره مدرسه را ندارد مگر آنکه یک دوره فقه و اصول گذرانده باشد».^۵ در خاتمه برخی از واقفان جهت آموزش و طلب مغفرت برای روح خود و والدین‌شان شرط دیگری برای طلاب می‌گذارند و آن هم تلاوت قرآن و شرکت در نماز جماعت مدرسه است و از طلبه‌ها می‌خواهند که ثواب آن را به روح واقف و والدینش تفویض دارند.

۲-۱ شرایط مدرسان در وقف‌نامه‌ها

مدرسان، به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان آموزشی در مدارس به حساب می‌آمدند و هیچ مدرسه‌ای بدون حضور آنان به رشد و پیشرفت علمی نائل نمی‌آمد؛ زیرا این افراد با علم‌آموزی به طلاب و علاقه‌ای که در این راستا داشتند سبب غنای مدارس می‌شدند. حتی گاهی یک مدرس چنان از لحاظ سطح سواد مورد توجه قرار می‌گرفت که برخی از طلبه‌ها به خاطر حضور در مکتب آن‌ها ترک دیار می‌کردند تا از محضر چنین اساتید توانایی بهره‌گیرند. لذا این موضوع از دید واقفان نکته‌سنج پنهان نماده و برخی از آنان

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.

در وقف‌نامه‌هایشان به صراحت شرایطی را برای مدرسان مدرسه خود در نظر می‌گرفتند و یا برخی از آن‌ها می‌خواستند که مدرسی خاص به تدریس در مدرسه مورد نظر بپردازد. واقفان در برخی دیگر از وقف‌نامه‌ها می‌خواستند که مدرس اول مدرسه به عنوان متولی یا ناظر باشد تا امور متعلق به مدرسه به خوبی تحت کنترل و زیر نظارت او باشد. اما گذاشتن شرایط برای مدرسان و حتی انتخاب یک استاد، مختص به تمامی وقف‌نامه‌ها نیست. برخی از واقفان، وضع شرایط را منوط به نظر متولی و ناظر قرار می‌دادند تا با صلاحدید آنان مدرسی به استخدام مدرسه در آید.

ضروری است جهت آشنایی با شرایطی که واقفان برای مدرسان می‌گذاشتند که به بررسی آن‌ها بپردازیم.

یکی از مهم‌ترین شرایط برای مدرسان تسلط آنان بر علمی بود که قصد تدریس آن را داشتند. بنابراین برخی از واقفان تأکید بسیار می‌کردند تا از حضور مدرسان کم‌سواد و یا کم‌تجربه ممانعت به عمل آید. گاهی اوقات جهت تدریس دوروسی خاص، واقفان نام برخی از مدرسین برجسته را در وقف‌نامه‌شان ذکر می‌کردند که این امر بیانگر اهمیت مسئله آموزش در وقف‌نامه‌ها است. برای نمونه می‌توان به وقف‌نامه مدرسه سپهسالار (ناصریه) اشاره کرد که واقف ذکر می‌کند «تدریس منقولات شرعیه بر عهده حاج آقا محمد نجم‌آبادی است و بعد از آن با اولادش که به این علم آگاه باشند».^۱ و یا در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار قدیم آمده است که «مدرس باید عالمی باشد که در علوم عقلیه، الهیه و طبیعه ماهر و در علوم تقلید و تفسیر و حدیث ناظر باشد».^۲

از دیگر شرایطی می‌توان به حضور مدرسان در مدرسه اشاره کرد. زیرا واقفان می‌خواستند که مدرس اصلی در مدرسه اقامت داشته باشد و به همین دلیل مانند طلاب حجره‌ای را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند تا شب را در آن بیتوته کنند. مثل وقف‌نامه مدرسه معمارباشی که «حجره‌ای جهت سکونت مدرس در طبقه فوقانی مدرسه جنب کتابخانه جهت مدرس در نظر گرفته شده است».^۳ البته این موضوع درباره تمامی مدرسان مدرسه صدق نمی‌کند که تنها روزی چند ساعت در مدرسه حضور دارند و حتی در تمامی وقف‌نامه‌ها اشاره‌ای به سکونت مدرسان در مدرسه به چشم نمی‌خورد.

همچنین که قبلاً به مسئله تولیت اشاره شد برخی از واقفان، مدرس اول مدرسه را به عنوان متولی، ناظر و یا مدیر مدرسه قرار می‌دادند تا ناظر بر امور موقوفه و مسائل مربوط به مدرسه مانند چگونگی تحصیل طلاب، وضعیت حجره‌ها، کار خادمین، نحوه نظافت و غیره باشد و علاوه بر دریافت مبلغی جهت حق التدریس، سهمی نیز جهت حق‌التولیه یا حق‌النظاره دریافت کند. مثل وقف‌نامه مدرسه شیخ عبدالحسین که میرزا تقی خان اظهار می‌دارد: «شیخ عبدالحسین به عنوان یکی از علمای بنام دارالخلافت هم سمت مدرس

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.

۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.

۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.

و هم سمت متولی مدرسه مورد نظر را داشته باشد.^۱ یا در وقف‌نامه معمارباشی آمده «تدریس مدرسه مذکور و امامت جماعت مسجد با آقا شیخ محمود امام جماعت فعلی مسجد مذکور مادام حیاته باشد»^۲ به طور کلی آن دسته از مدرسانی که وظیفه تولیت و نظارت برعهده‌شان بود درآمد خوبی از موقوفات عایشان می‌شد.

از دیگر شروط می‌توان به مسئله غیبت مدرسان اشاره کرد زیرا واقفان در این مورد سخت‌گیری می‌کردند و بر حضور مدرسان در مدارس تأکید خاصی داشتند به استثنای مواقعی چون زمان مرضی و یا رفتن به سفر حج که برای این موارد تدابیری اندیشیده بودند و «آن هم به خدمت گرفتن دو مدرس بود که به هنگام غیبت، دیگری وظیفه تدریس را برعهده داشته باشد».^۳

برخی از واقفان بر این اعتقاد بودند که مدرسان باید از لحاظ اخلاقی و تقوی، الگوی طلاب باشند اما بر مسئله اخلاق و کردار مدرسان، اشاره مستقیمی نکرده‌اند. بلکه با مطرح کردن مواردی چون «ترغیب طلاب به تحصیل»^۴ «برخورد خوب با طلاب و خوش‌رو بودن»^۵ منظور خود را جهت صلاحیت اخلاقی مدرسان خاطر نشان می‌کردند.

گاهی برخی از واقفان آن قدر در چگونگی آموزش و یا تدریس وسواس به خرج می‌دادند که در وقف‌نامه‌های خود مشخص می‌کردند که چه کتبی توسط مدرسین تدریس شود. به عنوان نمونه می‌توان از وقف‌نامه میرزا حسین خان مشیرالدوله نام برد که می‌گوید «مدرس منقول باید کتاب ریاض سید طاب ثراه و قواعد علامه علی‌الله مقلمه را در فقه و فواید کتاب شیخ مرتضی رضوان‌الله علیه و فصول شیخ محمد حسین را در اصول بتواند درس گفت و مدرس حکمت و شفاء شیخ رئیس و اسفار ملاصدرا را و معلم ادبیات مقامات بدیع الزمان و حریری و دیوان ابوالطیب را تدریس کند».^۶

در بعضی از موارد انتخاب و پذیرش طلاب برعهده مدرسان و متولیان بود و حتی واقفان از آنان می‌خواستند که در امور تحصیلی بر وضعیت طلاب و حضور آنان در مدرسه نظارت داشته باشند مثل وقف‌نامه مدرسه فیلسوف‌الدوله^۷ که بر این وظیفه اصرار می‌کند.

یکی دیگر از شروط می‌توانست مسئله شیعه اثنی عشری بودن مدرسان باشد زیرا مدرسان به عنوان کسانی که مروج و آموزش‌دهنده تعالیم دینی هستند می‌بایست اعتقاد به تعالیم و آموزه‌های خود داشته باشند تا بتوانند به تربیت طلاب علوم دینی بپردازند. البته این موضوع در هیچ وقف‌نامه‌ای به طور مستقیم

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۶۶۴.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۱۶۵.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱- ف.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.
۶. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.
۷. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱- ف.

اشاره شده است و فقط واقفان ذکر کرده‌اند مدرسه علوم دینی جهت طلاب اثنی عشری فقه جعفری می‌باشد که می‌تواند مصداق پذیرش مدرسان شیعه اثنی عشری نیز باشد.

۳-۱ تعیین مخارج مدارس در وقف‌نامه‌ها

از دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان دوره قاجار غالباً کلیه مدارس دینی هزینه‌ای برای طلاب در برداشت و آنان به صورت رایگان تحصیل می‌کردند. اما بانیان جهت تأمین مخارج این نوع مدارس می‌بایست املاک و اموالی را وقف آن کنند. این نکته نیز قابل توجه است که تمامی مدارس از درآمد معینی برخوردار نبودند و میزان درآمدشان بسته به شرایط مالی واقف بود و اینکه چه میزان از املاک خود را صرف مخارج مدرسه می‌کنند.

هزینه‌های مدارس عبارت از: حقوق و مقرری کارکنان مدارس که شامل مدرس، خادم، موزن، مکبر، روضه‌خوان، پیش‌نماز، هزینه‌های روشنایی، فرش و بوریا و حصیر، نظافت آب‌انبار یا حوض‌خانه مدرسه و پر کردن آن‌ها، مرمت و تعمیرات بنا، تعمیرات املاک و رقبات موقوفه، پرداخت مقرری به طلاب، پرداخت مقرری به متولی و ناظر، تهیه و مرمت کتب، برپایی مراسم مذهبی نظیر تعزیه‌داری برای امام حسین، ماه رمضان و شب‌های احیاء، روضه‌خوانی و طبخ غذا بودند.

از طرفی در برخی از وقف‌نامه‌ها، واقفان برای هر یک از هزینه‌های موجود در مدرسه مبالغی را مشخص و معین می‌کردند. این هزینه‌ها می‌بایست زیر نظر متولی و ناظر باشد و با صلاحدید آن‌ها این مخارج صرف هزینه‌های مدرسه شود. مثلاً در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار (ناصریه) واقف دقیقاً به شرح جزء به جزء مبالغ و هزینه‌های موقوفه می‌پردازد. لیست مخارج مدرسه بدین شرح می‌باشد: «از منافع مزبوره [در آمد موقوفه] به هزار سهم مساوی منقسم گردد: امام بیست و پنج سهم، مدرس منقول بیست و پنج سهم، مدرس معقول بیست و پنج سهم، نایب امام ده سهم، تالی مدرس منقول ده سهم، تالی مدرس معقول ده سهم، معلم ریاضی ده سهم، معلم مقدمات ده سهم، معلم ادبیات ده سهم، حکیم‌باشی دارالشفاء پانزده سهم، کتابدار دوزاده سهم، خادم‌باشی دوزاده سهم، واعظ دوزاده سهم، قاری دو نفر هر کدام پنج سهم، طلاب هر کدام سه و نیم سهم، موزن چهار نفر هر کدام سه و نیم سهم، مکبر دو نفر هر کدام دو و نیم سهم، دربان دو سهم، باغبان دو و نیم سهم، اخراجات اطعام طلاب در لیالی مخصوصه ده سهم، اخراجات امتحان و هدیه طلاب ده سهم...»^۱ اما در مواردی دیگر این موضوع منوط به نظر متولی و ناظر بود که با صلاحدید آن‌ها می‌بایست مخارج را صرف هزینه‌های مدرسه می‌کردند. مثل وقف‌نامه مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله که واقف اظهار می‌دارد: «منافع موقوفه بعد از تعمیرات بنا با نظر متولی هر عصری صرف مخارج و ملزومات مدرسه و مسجد شود»^۲. گاهی واقفان تأکید می‌کردند که باقی‌مانده درآمد موقوفات زیر نظر متولی به طور

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.

۲. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱-ف.

مساوی میان طلاب تقسیم گردد. برای نمونه می‌توان به وقف‌نامه مدرسه معمارباشی اشاره کرد که واقف در یکی از شروط خود می‌گوید: « آنچه از منافع موقوفه باقی می‌ماند بعد از وضع تمام آنچه ذکر شد تقسیم شود بین طلاب مدرسه مذکوره بالسویه و اگر عندالتقسیم چیزی از وجه مذکور زیاد باشد که قابل تقسیم بالسویه نباشد متولی در آن مختار است»^۱.

از دیگر موارد قابل توجه در وقف‌نامه‌های مربوط به مدارس این است که واقفان علاوه بر تعیین هزینه‌های مدرسه، جهت مصارفی چون انجام مراسم مذهبی، رسیدگی به فقرا و خدمات اجتماعی مبالغی را در نظر می‌گرفتند که عده‌ای در وقف‌نامه‌شان مبلغی را مشخص می‌کردند و عده‌ای دیگر این هزینه‌ها را منوط به نظر مثبت متولی و ناظر می‌دانستند. مثلاً در وقف‌نامه مدرسه شیخ عبدالحسین آمده است « روضه‌خوانی در تمام روزها و شب‌های جمعه و دهه عاشورا و دهه صفر، ایام ماه مبارک رمضان، کمک به فقرای سادات در روز عید غدیر خم، دادن افطاری به فقرا با صلاحدید متولی انجام شود»^۲. یا در وقف‌نامه مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله آمده است «از منافع موقوفه آنچه باقی بماند با نظر متولی هر عصری باید اقامه تعزیه‌داری ائمه و حضرات خامس آل عبا جناب سیدالشهداء بنماید و اطعام و سایر ملزومات را فراهم آورد»^۳.

۲- وقف کتاب برای مدارس

یکی دیگر از مباحث وقف در بخش آموزش، وقف کتاب است که در جهت گسترش علوم بسیار کارآمد بود. غالباً کسانی که از گذشته‌های دور، بر مدارس و حلقه‌های درسی وقف می‌کردند بر اهمیت کتاب در امر تعلیم و تربیت آگاه و دریافته بودند که نباید فقط به ایجاد ساختمان و فراهم ساختن وسایل تدریس اکتفا کرد. از این رو در این اماکن آموزشی به وقف کتاب اهتمام ورزیدند تا با دسترسی و مراجعه به کتب، تحصیل علم میسر و آسان شود و مدرسان و طلبه‌ها بتوانند به راحتی از مأخذ علمی بهره جویند و به آن‌ها استناد کنند. لذا وجود کتابخانه در هر مدرسه‌ای پیش‌بینی می‌شد و مکانی در مدارس به کتابخانه‌ها تعلق می‌گرفت.

از طرفی واقفانی که دست به تأسیس مدارس بزرگ می‌زدند سعی‌شان بر تأمین رفاه طلاب بود و کتاب‌های مورد نیاز آنان را جهت آسایش علمی‌شان تهیه می‌کردند. همچنین عده دیگری از واقفان که توانایی احداث مدارس را نداشتند کتاب‌هایی را وقف این مدارس علمی می‌کردند. علاوه بر آن دانشمندان، سلاطین، وزراء، امرا و تجاری که علاقمند به پیشرفت علمی و فرهنگی مسلمانان در پشتیبانی از کارهای علمی بودند کتاب‌هایی را وقف و به کتابخانه‌ها اهدا می‌کردند. زیرا آن‌ها به اهمیت کتاب در امر تعلیم

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.

۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۶۶۴.

۳. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران- واحد جنوب، سند شماره ۱- ف.

پی برده بودند و می‌خواستند با دسترسی به کتب مورد نیاز دانشجویان، مسیر پیش روی آنان را هموار سازند.^۱

در دوره بررسی شده و با مشاهده وقف‌نامه‌های مدارس، در اغلب وقف‌نامه‌ها فهرستی از کتاب‌های وقف شده مدارس و کتابخانه‌ها به چشم می‌خورد. نکته‌ای که از خلال بررسی وقف‌نامه‌های این دوران به دست می‌آید، آن است که تمامی واقفان کتب مذهبی و شرعی وقف می‌کردند. در دوره ناصرالدین‌شاه آشنایی با کتب غربی و ترجمه آثار در سطح وسیعی آغاز می‌شود اما واقفان همچنان سعی در وقف کتب دینی دارند و انگیزه خود را کسب ثواب و سعادت اخروی بیان می‌کنند.

از مهم‌ترین کتابخانه‌های وقفی در این دوره می‌توان به کتابخانه میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اشاره کرد. وی در سال ۱۲۹۷ پس از آن که درصدد برآمد مدرسه و مسجد بزرگی احداث کند، بر آن شد که کتابخانه مهمی هم در آن ایجاد کند تا طلاب علوم از آن بهره‌مند شوند و کتابخانه خود را که شامل کتب نفیس و پُر بهای بسیاری بود را وقف کتابخانه کرد. او بعداً کتابخانه علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم را یک جا خریداری کرد و وقف این کتابخانه نمود.^۲ از مندرجات وقف‌نامه هم چنین بر می‌آید که سپهسالار خواسته بود که کتب این کتابخانه افزون‌تر شود لذا قسمتی از عواید رقبات موقوفه را برای خریداری کتاب اختصاص داده بود.

تقریباً تمامی واقفان مدارس سهمی از درآمد موقوفات‌شان را صرف خرید کتاب و مرمت آن‌ها می‌کردند و کتاب‌هایی را که وقف می‌نمودند شامل قرآن، ادعیه، مقدمات، فقه و اصول، لغت و تفسیر، اخبار و احادیث معتبر بود که در مدارس دینی تدریس می‌شدند. شاید بتوان دلیل واقفان جهت وقف کتب شرعی و دینی و آموزش آن‌ها به طلاب را هدایت آنان به راه راست دانست.

۱-۲ شرایط استفاده از کتابخانه‌های موقوفه

نحوه استفاده از کتابخانه‌های وقفی مقررات ویژه‌ای داشت. واقفان در وقف‌نامه‌های خود به شرح این شرایط و به ذکر دقیق نام کتاب‌های موجود در کتابخانه می‌پرداختند که غالباً در صفحات پایانی و یا در بخش پایانی وقف‌نامه‌ها به نگارش در می‌آمد.

به دلیل آنکه در دوره بررسی شده بیشتر مدارس علوم دینی برای طلاب شیعه اثنی عشری احداث می‌شد لذا استفاده از کتابخانه مختص به این گروه از طلاب بود. اغلب اوقات طلبه‌های مدرسه اجازه استفاده از کتابخانه را فقط در محیط کتابخانه داشتند. چنانچه در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار نوشته شده « استفاده از کتب، مخصوص به اهل علم مدرسه می‌باشد و نباید کتب را از کتابخانه مدرسه خارج کنند.»^۳ اما

۱. متواری سورکی، پروین، خزائن مکتوب از وقف کتاب تا کتابخانه‌های وقفی، تهران: نشر پیام رسان، سال ۱۳۸۴، ص ۳۳.

۲. سحاب، تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، ص ۷-۱۸۶.

۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.

استثناهایی هم وجود داشت مثل وقف‌نامه مدرسه سپهسالار قدیم که «طلاب مدرسه به مدت دو شبانه روز می‌توانستند کتاب را از مدرسه خارج کنند»^۱ و یا تسهیلاتی برای طلاب خارج از مدرسه در نظر گرفته می‌شد که می‌توان به وقف‌نامه مدرسه معمارباشی اشاره داشت که واقف ذکر می‌کند «کتاب مدرسه را به طلاب خارج از مدرسه به امانت ندهند، مگر با ضمانت دو نفر از مدرسان مدرسه به مدت دو هفته کتاب به خارج امانت داده شود»^۲.

در اغلب وقف‌نامه‌های مدارس شهر تهران بر خرید کتب فقه، اصول و تفسیر، حدیث، کلام کتب لغت و مصیبت اصرار ورزیده‌اند^۳. حتی در برخی از موارد واقفان قرآن مجید را هم جزء کتاب‌های وقف شده می‌دانستند و بر طلاب مدرسه مزبور شرط تلاوت بر آن‌ها را قرار می‌دادند. مثلاً در وقف‌نامه مدرسه شیخ عبدالحسین آمده است که «یک عشر از درآمد موقوفات صرف خریدن قرآن، کتب حدیث و ادعیه و روضه خوانی شود»^۴.

از دیگر شرایطی که می‌بایست جهت امانت کتاب‌ها رعایت شود گواختن قبض و یا مهر مخصوصی بود که طلبه‌ها با اجازه مدرس، کتاب مورد نظرشان را دریافت می‌کردند و در قبال تحویل کتاب می‌بایست نزد کتابدار، قبض و یا مهری را به امانت بسپارند^۵. در مدارس علوم دینی به فراخور وسعت و اهمیت آن‌ها کتابخانه‌ای وجود داشت و شخصی تحت عنوان کتابدار مسئولیت کتابخانه را بر عهده می‌گرفت. واقف برای او حق‌الزحمه‌ای قرار می‌داد و در وقف‌نامه به آن اشاره می‌کرد. مثلاً در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار میرزا حسین خان مشیرالدوله نوشته شده «کتابدار شخصی است که در محافظت و حفظ کتاب مدرسه اهتمام ورزد، دو نفر حافظ کتاب در خدمت کتابدار باشند جهت مشارکت در امور کتابخانه و از منافع موقوفه دوازده سهم مقرری به او پرداخت شود»^۶ اما برخی از واقفان در مورد انتخاب شخص کتابدار دقت و وسواس زیادی به خرج می‌دادند آنچنان که در وقف‌نامه مدرسه محمودیه آمده است «کتابدار باید از طبقه سادات باشد و نباید کسی باشد عاری از علم، او باید عالم در کتب علمیه و فقهیه باشد»^۷.

از دیگر مسائلی که مورد توجه واقفان بود مسئله حفظ و نگهداری از کتاب‌های مدرسه بود. لذا واقفان در تمامی وقف‌نامه‌ها ذکر کرده‌اند که «متولی یا مدرس باید هر شش ماه یک‌بار به کتابخانه برود و نظارتی بر کتاب‌ها داشته باشد تا اگر کتابی آسیب دیده است مرمت شود و حتی کتب مورد نیاز مدرسه خریداری

رتال جامع علوم انسانی

۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه تهران - واحد جنوب، سند شماره ۱ ف.
۴. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۶۶۴.
۵. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۶. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۴۹.
۷. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.

شود.^۱ این موضوع بیانگر آن است که وظیفه مدرس و یا متولی، از وظیفه کتابدار خیلی سنگین‌تر است. او می‌بایست ناظر بر وظایف کتابدار و امور کتابخانه باشد. به طوری که در وقف‌نامه مدرسه سپهسالار قدیم آمده است. «حق خریدن کتاب، مرمت، عزل و نصب کتابدار و کلیه امور تولیت کتاب و کتابخانه با مدرس است.»^۲ حتی برخی از واقفان تعمیر کتب وقفی مدرسه را در زمره مخارج ضروری مدرسه و تعمیرات بنا می‌دانستند.^۳

نتیجه:

یکی از ویژگی‌های مهم دوره قاجار آشنایی ایرانیان با غرب، ورود صنایع و مؤسسات جدید تمدنی به ایران و آغاز تحول و دگرگونی در نهادهای اجتماعی است؛ نهاد وقف نتوانست آن‌گونه که شایسته است خود را با این تحولات نو همگام کند زیرا اغلب واقفان معتقد بودند که نهاد وقف نهادی دینی است و مصارف وقف باید در همین راستا در جریان باشد. در نگاهی کلی این نتیجه حاصل می‌شود که نهاد وقف همچنان عملکرد خود را معطوف به امور مذهبی کرد و نتوانست خود را با تفکرات جدید و نو همراه کند. مثلاً با اینکه در این دوره مدارس جدید زیادی افتتاح شدند اما فقط یک وقف‌نامه متعلق به مدارس جدید است؛ در حالی که وقف بر مدارس دینی و طلاب علوم دینی مانند گذشته هم چنان بر جای خود باقی ماند و تعداد قابل توجهی از موقوفات را به خود اختصاص داد. این موضوع به این علت است که نهاد وقف بعد از مشروطه نتوانست خود را با شیوه‌های تازه تطبیق دهد و همگام کند. واقفان این دوره، نهاد وقف را فقط نهادی دینی و مذهبی می‌دانستند و سعی می‌کردند که مصارف موقوفاتشان فقط به امور دینی و مذهبی تعلق بگیرد. همچنین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که وقف بر مسائل فرهنگی - مذهبی از مصارف عمده وقف‌نامه‌ها در شهر تهران است. از مهم‌ترین موقوفات فرهنگی وقف بر مدارس و مساجد، طلاب علوم دینی، کتاب احکام، فقه و ادعیه برای مدارس بود که واقفان در وقف‌نامه‌هایشان شرایطی برای طلاب و مدرسان مدرسه و موارد مصرف موقوفات مدرسه مسجد ذکر می‌کردند تا بتوانند از لحاظ فکری بر مدرسه تسلط داشته باشند و نیز از حیث و میل شدن درآمد حاصل جلوگیری کنند. اغلب واقفان مدارس و مساجد از طبقه محاکمه و تجار بزرگ بودند. وقف بر مدارس و مساجد باعث گسترش و اشاعه دانش دینی و جهت‌دهی آن در جامعه می‌شد. در بررسی کلی از وقف‌نامه‌های شهر تهران می‌توان گفت که تمامی مدارس را طبقه حاکم، شاهزادگان، درباریان و اعیان طبقه متوسطه وقف کرده بودند و تقریباً تمامی مسجد - مدرسه‌های وقفی مهم شهر تهران، متعلق به دوره ناصرالدین‌شاه است.

۱. این موضوع در تمامی وقف‌نامه‌های مدارس که دارای کتابخانه می‌باشند مثل مدارس سپهسالار قدیم، ابوالحسن معمارباشی، سپهسالار (ناصریه)، محمودیه و فیلسوف‌الدوله قابل مشاهده است.
۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱.
۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴.

– فهرست منابع و مأخذ :

الف (منابع :

۱. اسناد وقفی:

- مسجد مدرسه محمد خان قاجار سپهسالار – سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۳۱ .
- مسجد مدرسه معمارباشی – سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات ، سند شماره ۷۱۴ .
- مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین – سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات ، سند شماره ۶۶۴ .
- مسجد مدرسه سپهسالار (ناصریه) – سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات ، سند شماره ۴۹ .
- مسجد مدرسه محمودیه – سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات ، سند شماره ۷۲۶ .
- مسجد مدرسه فلیسوف الدوله – سازمان اوقاف و امور خیریه تهران – واحد جنوب ، سند شماره اف .

۲. کتابهای تاریخی:

- اعتماد السلطنه، محمد حسن ، المائر و الآثار ، به کوشش ایرج افشار ، تهران ، اساطیر ، سال ۱۳۷۴ ، جلد دوم .
- محمد زمان بن کلبعلی تبریزی ، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد ، به کوشش رسول جعفریان ، تهران ، احیاء کتاب، سال ۱۳۷۳ .

۳. سفرنامه ها:

- بروگشن ، هنیریش، سفری به دربار صاحبقران ، ترجمه مهدی کردبچه ، تهران ، اطلاعات ، چاپ اول ، سال ۱۳۶۷ ، جلد اول .

ب (مأخذ:

۴. کتابها:

- رضایی ، امید ، فهرست اسناد و موقوفات ایران ، جلد چارم ، تهران ، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، سال ۸۶ .
- سحاب ، ابوالقاسم ، تاریخ مدرسه عالی سپهسالار ، بی جا ، بی تا .
- صدیق ، عیسی ، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر ، تهران ، دانشگاه تهران ، سال ۱۳۳۸ .
- متواری سورکی ، پروین ، خزائن مکتوب از وقف کتاب تا کتابخانه های وقفی، تهران ، سال ۱۳۸۴ .